

اهواز - مصطفی صالحوند

# نگاهی به گذشته و سیمای نوین دانشگاه جندی شاپور



دکتر جامعی رئیس دانشگاه جندی شاپور هنگام عرض توضیحات به  
حضور شاهنشاه آریامهر

در آن زمان که در اروپا تازه قبایل وحشی فرانک و ژرمن به شهرنشینی رومی آوردند و نخستین بنیان دولتها را می ریختند کمی پیش از آنکه قبایل سلت به رهبری ویلیام فاتح به خاک جزیره بریتانیا پا بگذارند و در این کوهستانها و دشتهای وحشی آغاز به زندگی کنند و بهنگامی که حتی در کنتسانتینیز مل متمدن و چشم و چراغ امپراطوری روم شرقی بیسوادی از محسنتات اشراف زادگان شمرده میشد و تفریح مردم جنگ انسان و خرس بود یعنی در ۱۵ قرن پیش در ایران بنیان نخستین دانشگاه بصورتی که ما میشناسیم ریخته شد!

«جندی شاپور» از بسیاری جهات نخستین کانون کامل علم و ادب بشمار میرود البته حتی در قرون پیش از میلاد هم در آتن و اسپارت «آکادمی»هایی وجود داشت که در آنها یک استاد مثل افلاطون یا ارسطو به تعلیم شاگردان خود می پرداخت و با پزشکانی بودند که حرفه خود را به علاقمندان تعلیم میدادند ولی جندی شاپور نخستین جائی در جهان است که در آن کلاس به مبنای امروزی خود یعنی محلی که یک استاد و عده ای شاگرد در آن به تحصیل بپردازند تأسیس شد و همچنین نخستین جائی در جهان است که مرکز آموزش فنون و علوم گوناگون عصر خویش و آفتاب درخشان تفکر مشرق و مغرب جهان گردید و از تعلیم و زندگی در این دانشگاه بعدها الگوی مدارس اسلامی و حتی دانشگاههای خارجی شد.

### جندی شاپور کی تأسیس شد؟

بسیاری از ایران شناسان جهان با تکیه به نوشته های باقی مانده مورخان آن عصر و بخصوص مورخین رومی ( زیرا یادداشتهای مربوط به تاریخ ایران که توسط مورخین ایرانی تهیه شده بود در آتش سوزی کتابخانه مدائن از میان رفته است) معتقدند که دانشگاه جندی شاپور بدست انوشیروان اول معروف به عادل بنیاد شده است عقیده سایرین بر آن است که اگر قبلا هم مرکزی بصورت آکادمی علوم در محل دانشگاه جندی شاپور وجود میداشته است این انوشیروان عادل بوده است که این مجل را بصورت دانشگاه جندی شاپور در

آورده است. پرفسور پوپ ایران شناس نامی می نویسد با توجه به مدارک باقی مانده همچنین با نگاهی به اوضاع ایران در دوره ساسانی تقریباً مسجل میشود که اوضاع و احوال ایران چنان مساعد شد که توجه پادشاه از کارهای لشکری فارغ شد و قدرت و ثروت بدست آمده و امنیت و ثباتی که در کشور وجود داشت زمینه ایجاد دانشگاه را فراهم کرد .

همچنین وجود بزرگمهر وزیر افسانه‌ای این پادشاه که از قهرمانان فرهنگ و اندیشه ایرانیان است شاید سمبلی برای جنبه فرهنگدوستی و دانش پروری این پادشاه بوده است که به تأسیس دانشگاه جندی شاپور منجر شد .

بنابراین دانشگاه جندی شاپور می باید در دهه دوم سلطنت خسرو انوشیروان یعنی در حدود نیمه قرن ششم میلادی تأسیس شده باشد محل این دانشگاه در حدود ۵۰ کیلومتری پایتخت عظیم و زیبای ساسانیان یعنی مدائن و در خوزستان کنونی بوده است . نام جندی شاپور یا بهتر بگوئیم « گندی شاپور» شاید از اسم محل که خود ملهم از نام «شاپور» ساسانی بوده است گرفته شده است و در مورد این نام بین ایران شناسان بحثهای زیادی بروز کرده است ولی نکته مهم در این دانشگاه نام آن نیست . بلکه سیستم اداره و اصولاً موقعیت آن است .

در دانشگاه جندی شاپور برخلاف آکادمیهای یونان قدیم و درست مثل امروز چندین رشته مختلف تدریس میشده است مثل پزشکی ، داروسازی و کمالی «چشم پزشکی» ، فلسفه و ادبیات و ریاضیات و در هر رشته استادان متعددی وجود داشته اند که دانشجویان می توانستند از محضر هر یک استفاده کنند . این استادان نه فقط ایرانیان ، بوده اند بلکه از میان اکثر ملل متمدن جهان اساتید معروف بعلمت امنیت و آزادی و رفاهی که دولت ساسانی برای استادان

این دانشگاه فراهم میکرد به ایران میآمدند و در دانشگاه جندی شاپور تدریس میکردند.

تاریخ از یکدسته از فلاسفه و پزشکان یونانی و گروهی هندی که میان آنها دوتن ریاضی دان وجود داشته است و حتی چندتن رومی یاد می کند که در جندی شاپور تدریس میکردند.

برای نخستین بار در تاریخ علم پزشکی در این دانشگاه همراه با تجربه و بصورت «بالینی» تدریس میشده است یعنی دانشجویان زیر نظر استادان در بیمارستان که وابسته بدانگاه جندی شاپور بود به تحصیل عملی در کار علم پزشکی می پرداختند و درست مثل امروز استاد بر بالین هر بیمار نکاتی از پزشکی را به دانشجویان تدریس میکرد هر چند که بعلا ذینی تشریح در این دانشگاه معمول نبود ولی دانشجویان تا حدودی با فیزیولوژی و ساختمان بدن انسان در ضمن تحصیل آشنا میشدند همچنین به فراگیری خواص داروها و گیاهان گوناگون می پرداختند و حاصل برخی از تجربه های ایشان که توسط موبدان زرتشتی حفظ شده و یادها ان بدهان چرخیده در عهد سامانیان نابغه ایران ابوعلی سینا را در راه آموزش علم پزشکی یاری کرده است. فارغ التحصیلان علم پزشکی جندی شاپور بسیار معروف بوده اند حتی پس از حمله اعراب و انقراض دولت ساسانی نیز پزشکان ایرانی فارغ التحصیل جندی شاپور در دنیای اسلامی معروفیت خاص داشته اند بسیاری از همین ها بودند که پایه های علوم را در عهد اسلامی ریختند و نوابع دنیای اندیشه اسلامی مثل جابر «شیمی دان»، رازی، ابوریحان بیرونی و حتی ابن سینا را پروردند. نفوذ اندیشه دانشوران جندی شاپور حتی تا قرون چهارم و پنجم هجری هم باقی مانده بود. کسی می توانست از دانشگاه جندی شاپور فارغ التحصیل پزشکی شود که حداقل ۵ استاد کار آئی او رضامنت می کردند و او عملاً احاطه خود را در معالجه امراض نشان داده بود و رسیدن به مرحله پزشکی در این دانشگاه تا ۵ سال بطول می انجامید. تدریس در رشته های فلسفه و ریاضیات همانگونه بود که بعداً در مدارس اسلامی معمول شد هر يك

از استادان جمعی از دانشجویان را بگرد خویش جمع میکرد. به تدریس و بحث مشغول میشدند در فلسفه تا آنجا که ما میدانیم منطق ارسطو و اخلاق افلاطون و برخی از نکات فلسفه شرقی و هندی تدریس میشدور ریاضیات و نجوم، هندسه اقلیدس و جبر و قضایای فیثاغورث و سیر ریاضیدانان آنروز تدریس میکردید و گرفتن عنوان فارغ التحصیلی در این رشتهها منوط پیروزی در بحث با استادان و هیئت داوری بود. کسی که در رشته ریاضیات تحصیل می کرد همچنین چیزهایی هم از علم الحریک و مکانیک فرا میگرفت. گفته می شود که معماری که در قرن اول هجری بنائی را ساخت و یا ابداع کنندگان سقفهای ضربی بلند از نوع طاق کسری و قصر الحمراء و شهر بغداد از جمله ریاضیدانانی بودند که در جندی شاپور تحصیل و تدریس کرده بوده اند. پس از آنکه دانشجویی به مرحله اجتهاد از علم خویش میرسید میتواندست خود بعنوان ابتدا دستیار استاد و بعد مستقلا بعنوان استاد بتدریس پردازد.

تحصیل در دانشگاه جندی شاپور مجانی بود و حقوق و مخارج زندگی استادان توسط دولت تأمین میشد دانشجویان در خود دانشگاه خوابگاه هایی داشتند ولی خرج غذا و سایر مخارج را خود تأمین میکردند ولی در صورت بیماری در بیمارستان جندی شاپور معالجه میشدند.

خسرو انوشیروان همچنین برای دانشگاه امتیازات خاصی قائل شده بود مثلا محوطه دانشگاه مثل معبد مقدس تلقی میشد و هیچ فردی حق نداشت با اسلحه وارد آن شود. استادان و دانشجویان از مراجع خاص وی برخوردار میشدند و در مراسم نوروز اغلب در صف اول میهمانان شاه جای داشتند ...

تحصیل در جندی شاپور هیچ محدودیت خاصی نداشت با آنکه سلاطین ساسانی بخصوص خسرو انوشیروان بشدت مذهبی و پیرو دین زرتشت بودند با این حال پیروان همه مذاهب حق تحصیل در این دانشگاه را داشتند و میتوانستند از مقرری آن نیز بر خوردار شوند و همچنین ملیت و طبقه و کاست ایشان نمیتوانست ورود آنها را بدانشگاه محدود کند حتی فرزندان عادی مردم و روستا-

زادگان هم که در دوره ساسانی از بسیاری حقوق محروم بودند نیز میتوانستند در صورت داشتن استعداد به جندی شاپور وارد شوند و از این راه به مقامات بالا برسند. با این قرار از بسیاری از کشورهای جهان آن روز هم برای تحصیل، سیل دانشجویان به این دانشگاه سرازیر بود و این دانشگاه در آن زمان حالت جهانی و بین‌المللی داشت.

از همه اطراف جهان از یونانی تا چینی و مصری و از همه ادیان از مسیحی تا بودایی و زرتشتی بدون توجه به اختلافات طبقاتی و دینی در محیط آزاد جندی شاپور بفرارگیری علم اشتغال داشتند. و به این ترتیب بود که جندی شاپور گوهر فروزان فرهنگ دنیای آن روز گشته بود.

علاوه بر کتابخانه خود دانشگاه که مشتمل بر هزاران کتاب و رساله مختلف بود دانشجویان جندی شاپور اجازه داشتند از کتابخانه شاهی مدائن که عظیم‌ترین مخزن کتاب آن روزی جهان بود استفاده کنند. برخی از ایشان از کتب نفیس رونوشت برمی داشتند و بعضی از این رونوشت‌ها بود که بعداً توسط دانش پژوهان جمع آوری و بزبانهای عربی و لاتین ترجمه شد همچنین برخی از همین‌ها بود که چنانکه گفته شد مورد استفاده ابوعلی سینا در کتابخانه امیر سامانی قرار گرفت و راهبر او در تحصیل پزشکی شده البته نه فقط اصل این رونوشتها در آتش سوزی کتابخانه مدائن از بین رفت بلکه خود این رونوشتها هم در اثر مرور زمان مفقود الاثر شده از میان رفت و تنها ترجمه برخی قسمت‌های آن در آثار دانشمندان اسلامی و برخی کتب لاتین باقی مانده مثل بسیاری از قسمتهای کتاب الابنیه عن الحقایق الادبیه که در قرون اول هجری نوشته شده است و سایر کتب علمی اسلامی حتی در قانون ابن سینا هم در برخی موارد از روایات پیشینیان یاد شده است که بی تردید ماخذ همین رونوشتهای پزشکان ایرانی جندی شاپور بوده است و همچنین از رسالات راجع به نجوم بعضی از دانشمندان ایرانی استفاده کرده اند.

برخی از کم‌مایگان نیز که مندرجات این رسالات و کتابها را به عنوان رساله نوشته خویش ترجمه میکردند نیز در از بین رفتن این رونوشتها مقصر بوده اند.

بازمانده کتب و رسالات به احتمال قوی در حمله مشول از میان رفت و از آنها جز نشانه‌هایی برجای نماند.

دانشگاه جندی‌شاپور بی تردید از افتخارات بزرگ اندیشه ایرانی بشمار می‌رود و بنیان آن در عصری که بسیاری از ملل جهان در تاریکی محض جهل بسر می‌بردند می‌تواند از جمله بزرگترین کارهای خسرو انوشیروان اول بشمار رود.

خورشید فرهنگ زنده جندی‌شاپور با حمله اعراب و انقراض دولت ساسانی و از میان رفتن کتابخانه‌ها و مراکز علمی ایران غروب کرده بسیاری از استادان و شاگردان آن که پیرو ادیان مختلف بودند به سرزمینهای دیگر مهاجرت کردند و گروهی دیگر نیز در سرزمینهای اسلامی پراکنده شدند در حقیقت وقتی دستگامی برای حمایت از اندیشه‌ها و مرکزی برای پرورش علوم وجود نداشت بالطبع بنیان و اساس جندی‌شاپور نیز از هم پاشید برخی از اطباء معروف جندی‌شاپور مثل ابن بختیشوع پزشک معروف به خدمت اعراب و خلفای اموی و عباسی درآمدند و به تربیت شاگردانی چند همت گماشتند لیکن فعالیت‌های ایشان پراکنده بود و با از بین رفتن دانشگاه مرکزی برای تبادل افکار و تحصیل و تدریس وجود نداشت چرا که محیط مناسب ایجاد چنین مرکزی نبود لیکن تأثیر اندیشه آن بر دنیای آن روز چنان بود که شصت سال بعد وقتی نظام الملك به تأسیس مدارس نظامیه همت گماشت بسیاری از تشکیلات و فرم تدریس را از آن اقتباس کرد حتی هزار سال بعد که در پادوا و ایتالیا نخستین دانشگاه جهان پس از جندی‌شاپور تأسیس شد باز هم فرم و تشکیلات گویی از فراز قرون نگامی به جندی‌شاپور داشت با این تفاوت که افکار و فرهنگ در جندی‌شاپور بسیار متریقی تر از مدارس نظامیه بغداد و دانشگاههای بعدی اروپائی بود چرا که در جندی‌شاپور آزادی مطلق اندیشه حکمفرما بود و عدم تعصب در هر مورد که بارزترین نشانه منزه‌های متفکر است. در حالیکه در نظامیه بغداد شرط نخست تدریس و تحصیل داشتن مذهب سنی و شافعی بود و در دانشگاههای اروپا هم هنوز اطاعت کور کورانه از مذهب دانشوران را محدود میکرد حال آنکه در جندی‌شاپور چنین نبود این

دانشگاه از بسیاری جهات شبیه موقی ترین دانشگاههای عصر ما بشمار می رفت .

امروز باردیگر پس از ۱۵ قرن دوباره دانشگاه جوانی بنام چندیشاپور آغاز بکار کرده است در عصر خجسته پهلوی همه شئون زندگی ملت ایران را در گون ساخت امنیت، اعتبار در سیاست بین المللی فرهنگ و دانشگاه اقتصاد سالم، امور عمرانی و تأسیسات آب و برق - تأمین بهداشت عمومی - ایجاد راههای بزرگ و همه عطایای سردودمان خاندان جلیل پهلوی رضاشاه کبیر به ملت وفادار و قدرشناس ایران می باشد و اکنون شاهنشاه آریامهر با تجربیات کافی ملت ایران را در راه پیشرفتهای سریع رهنمون شده اند . شهریار دانش پرور ایران بارها لزوم تربیت متخصص با تجربه را برای اداره امور کشور در بیانات حکیمانه خویش گوشزد فرمودند و در اجرای فرامین مطاع مبارک همایونی در خطه زرخیز خوزستان با تأسیس دانشکده کشاورزی بسال ۱۳۳۴ شمسی و تأسیس دانشکده پزشکی بسال ۱۳۳۶ شمسی و تأسیس دانشسرای عالی بسال ۱۳۴۵ شمسی، آموزشگاه عالی پرستاری بسال ۱۳۴۷ شمسی، آموزشگاه علوم آزمایشگاهی بسال ۱۳۴۶ شمسی و تأسیس دانشکده علوم بسال ۴۹ شمسی دانشگاه بزرگ و باستانی چندیشاپور احیا گردید این دانشگاه اکنون تحت توجهات اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و نظارت عالیه والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی ریاست هیأت امناء با گامهای محکم و سریع بسوی پیشرفت و ترقی و تکامل بجلو میرود و خوشبختانه در راهی قرار گرفته است که بزودی اعتبار و عظمت خود را بدمت می آورد .

با تعیین استاد مجرب و هوشمندی مانند دکتر جامعی بر ریاست دانشگاه فعالیتهای همه جانبه ای در راه به سازی و نوسازی و اجرای انقلاب آموزشی آغاز گردیده و چون اراده ملوکانه بر این تعلق گرفته است که دانشگاه چندیشاپور در ردیف دانشگاههای معتبر جهان قرار گیرد . رجاء واثق داریم که با توجهات مخصوص شاهنشاه آریامهر و همچنین علاقمندی والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی و نیز پشتکار و درایتی که در شخص



رئیس دانشگاه و آقای دکتر سمعی معاون وسایر همکاران ایشان مشاهده می شود این آرزوی دیرینه مردم دانش پژوه خوزستان جامه عمل بخود ببوشد .

### گوشه‌ای از فعالیت های دانشگاه جندی شاپور

- ۱- افتتاح رشته های شبانه .
- ۲- افزایش پذیرش دانشجو برای رشته های شبانه و روزانه.
- ۳- بکارگماردن اساتدان تحصیل کرده و نظارت کامل در کار آموزش.
- ۴- تکمیل ساختمانهای بیمارستان شماره يك بخش اطفال - تعریض ساختمان سردخانه بخش حوادث - بخش رادیولوژی درمانگاه و بانک خون سالن سخنرانی و خرید زمین برای گسترش بیمارستان و افزایش تخت خوابها از ۱۶۰۰ به ۳۰۰۰ .
- ۵- تکمیل ساختمان بیمارستان شماره ۲ و افتتاح بخشهای اطفال - زنان - جراحی و مامائی .
- ۶- تکمیل ساختمان کتابخانه دانشکده پزشکی و گسترش کتابخانهها
- ۷- تکمیل ساختمان آموزشگاه عالی پرستاری .
- ۸- تعمیر خوابگاه شماره يك .
- ۹- تکمیل ساختمان های خوابگاه شماره ۳ و ۲ .
- ۱۰- محوطه سازی برای ساختمانهای نوین یاد .
- ۱۱- افزایش آذکمايشگاهها .
- ۱۲- استرداد ساختمانهای استیجاری و صرفه جویی کامل در بودجه .
- ۱۳- مقدمات ساختمان بخش بیماریهای عفونی .
- ۱۴- تأسیس استودیوی فیلم برداری بمنظور تهیه فیلم های آموزشی .
- ۱۵- تبدیل دانشسرای عالی به دانشکده علوم تربیتی .
- ۱۶- تبدیل مرکز آموزش به دانشکده علوم .
- ۱۷- اصلاح وضع آموزش آموزشگاه عالی پرستاری از لحاظ کمی و

کافی .

- ۱۸- اصلاح وضع آموزشی علوم پایه در رشته پزشکی و افتتاح کلاسهای سال چهارم به بعد ( قبلاً دانشجویان از کلاسهای چهارم بیسند تهران میرفتند )
- ۱۹- برقراری ارتباط با بیمارستان فیروزگر جهت آموزش دانشجویان
- ۲۰- برقراری ارتباط با بیمارستان شرکت ملی نفت آبادان جهت آموزش دانشجویان .
- ۲۱- توسعه شعب بیمارستانی دانشگاه .
- ۲۲- ایجاد دوره های تخصصی بالینی شامل جراحی- بیهوشی- داخلی- اطفال - گوش و حلق و بینی در دانشکده پزشکی.
- ۲۳- برنامه ریزی آموزشی در سطح دانشگاه.
- ۲۴- اقدام به ساختمان جهت اسنادان دانشگاه.
- ۲۵- تأسیس وسایل چاپ در داخل دانشگاه.
- ۲۶- تأسیس مرکز تحقیقات علمی .
- ۲۷- تشکیل کنفرانس های علمی .
- ۲۸- اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان .
- ۲۹- اعطای ۳۰۹ فقره وامهای تحصیلی به دانشجویان .
- ۳۰- افزایش رستورانهای دانشگاه .
- ۳۱- احداث خطوط اتوبوسرانی مجانی .
- ۳۲- اجتناس واحد درمانی مستقل برای دانشجویان
- همه این تحولات بودگر گونیهادر عرض مدت کوتاهی در دانشگاه انجام گرفته و فعالیت و تلاش پر ثمر و کوششهای شبانه روزی مسئولان دانشگاه چندی شاپور در اشاعه فرهنگ و علوم حائز اهمیت فراوان میباشد و خدمات ارزنده آنها در خودستایش است .